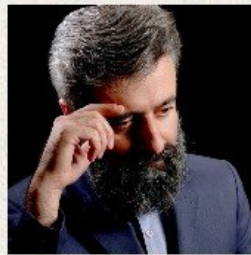


< هو الحکیم >

عنوان:

رفع تعارض غیبت امام عصر علیه السلام با قاعده‌ی لطف



دکتر وحید باقر پورکاشانی

© صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ©



@SERATEHAGHI

امام اگر کارش هدایت‌گری هست، خب بالاخره باید بین ما
باشه!

و اگر چنانچه بگی در این مورد استثناء هست، در مورد ائمه‌ی
دیگه باید می‌فرستاد در این مورد استثناء هست؛ می‌گه قاعده‌ی
عقلی استثناء نمی‌خوره!

اگه واقعاً نفرستادن حجت خدا بر خدا قبیح هست، در این
مورد هم قبیح هست! خداوند کار قبیح انجام داده! یعنی ما
نمی‌گیم امام زمان علیه‌السلام، الان که خداوند حضرت صاحب
رو نفرستاده چون گفتیم لطف بر خدا واجبه دیگه! خداوند
کار قبیح انجام داده! اگر چنانچه قبیح نیست، خب پس
نگید واجب هست! دوست داره بفرسته، دوست داره نفرسته!

اشکال ببینید اشکال این‌طوری هست! این اشکال رو خیلی‌ها
مطرح کردن! بسیاری از علمای اهل تسنن؛ مثلاً مثل فخر
رازی، در کتاب الأربعین فی أصول الدین، جلد دوم صفحه‌ی
۲۶۰، به تفصیل این اشکالی که من گفتم رو بیان کرده، و گفته
لطف و امام زمان علیه‌السلام و این‌ها معنا نداره! ابن تیمیه،
لیدر اصلی و هابیت؛ سعدالدین تفتازانی در شرح المقاصد، این
اشکال رو مطرح کرده از متکلمین هست؛ و جمعی دیگه از اهل
تسنن. این اشکال رو تو اون جلسه‌ای که ما خدمت آقایون
بودیم، جناب آقای دکتر موسوی هم مطرح کرده بود. حالا
این بنده‌ی خدا ذهنیتی نداشته که حالا ابن تیمیه بگه، اشکال
هست اشکال عقلیه، از هر کی می‌خواد باشه.

ایشان فرمودند (ستارگان هدایت - صفحه‌ی ۱۱۵):

«لطف بودن نبی و امام در صورتی محقق می‌شود که بین مردم حضور داشته باشد و بدین وسیله زمینه‌ی اطاعت و عبادت و پرهیز از گناه فراهم آید، ولی اگر فرستاده‌ی الهی غائب باشد لطفی صورت نمی‌گیرد، پس کلیت و جوب لطف بر پروردگار زیر سؤال می‌رود». ادله‌ی عقلی تون زیر سؤال می‌ره! می‌گه قاعده‌ی عقلی تخصیص نمی‌خورده دیگه! وقتی در این مورد خورد، یعنی پس قاعده‌ی عقلی نیست، بهش دلیل عقلی ندادیم. این جا من پاسخی که دادم خوب رو این پاسخ تمرکز بکنید، این اشکال پاسخ داده می‌شه. این جا گفتم: «لطف بودن نبی یا امام منوط به سه امر است: يك: گماشتن نبی یا امام و فرستادن او با بیّنه در بین مردم که به حکم عقل بر خداوند لازم و این کار انجام شده».

پس گیر از خدا نیست؛ این نکته‌ی اول! در فرستادنش ها. «دو: پذیرش این مسئولیت و اطاعت محض در انجام فرامین الهی که این امر بر نبی و امام، وجوب است». امام آیا پذیرفته؟ امام هم پذیرفته! خدا امام رو انتخاب کرده، گفته برو مردم رو در جهت حجت الهی، تمام وظائفت رو انجام بده، امام هم گفته سمعاً و طاعتاً! امام هم پذیرفته، پس گیری از امام زمان علیه السلام هم نیست!

«سه: پذیرش و یاری و پیروی از مردم از نبی یا امام که واجب است مردم به این کار تن دهند». مسئله‌ی دیگره وقتی لطف به سرانجام می‌رسه، اینکه مردم هم بپذیرند! حالا يك نفر بیاد بگه خب خدا فرستاده درسته، امام هم قبول کرده، خب همین خدا گفته غائب باش! درسته! خدا گفته غائب باش، امام هم به حرف خدا گوش داده غائب شده، اما غیبت به چه علت هست؟ این اگه درست تفهیم بشه اشکال رفع می‌شه! «اما غیبت به خاطر کوتاهی پروردگار و نبی یا امام نیست». خدا نخواسته مردم رو اذیت بکنه که امامش رو غائب بکنه! امام زمان علیه‌السلام نخواسته که مردم اذیت بشن که آقا غائب بشه! نه! اصلاً اگه نمی‌خواست که خلقش نمی‌کرد امام زمان علیه‌السلام رو! نمی‌فرستادش که! «بلکه به دلیل کوتاهی و سستی مردم است». چطور؟

«مردم با رویگردانی و بی‌توجهی خود، حجت الهی را تنها می‌گذارند، تا آن‌جا که دشمنان یارای کشتن او می‌شوند. بنی‌عباس شنیده بودند که از خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و از فرزندان امام حسن علیه‌السلام شخصیتی برمی‌خیزد که حکومت‌های ستمگر و خودکامه را در هم می‌شکنند، لذا در صدد کشتن او بر آمدند، همانطور که فرعون از پیشگویی کاهنان پی برده بود که کودکی به دنیا می‌آید که حکومت او را بر می‌اندازد؛ لذا در جستجوی کشتن او بر آمد، ولی خداوند متعال آن حضرت را حفظ کرد و دشمنان را ناامید ساخت.»

خداوند نبی اش رو فرستاد، یازده وصی اش رو فرستاد، هر
کدوم رو مردم پشت کردن!

از وجود نازنین امیرالمؤمنین! خود پیامبر ها! پیامبر
فرمودند هیچ کسی به مانند من نبی از انبیاء اذیت نشد!
چقدر اصحاب، جمعی از اصحاب، پیامبر رو اذیت کردن!

بین ۱۲۰ هزار نفر گفته

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ!

دست امیرالمؤمنین رو بلند کرده، مردم تبریک گفتن،
همین دومی بَخَّ بَخَّ اش تو تاریخ تو شیعه و سنی هست،
تبریک گفته به آقا امیرالمؤمنین!

اون وقت چه کار کردن؟

وقتی که آقا از دنیا می ره، هنوز فاطمه سلام الله علیها عزادار

هست، غم از دست دادن پدر رو داره!

اونها چه کار می کنن؟ حتی نماز هم بر نبی اکرم

نمی خونن!

حتی جمعی شون سر قبر پیغمبر هم نمیان! تشکیلاتی نگاه
می کنن دنبال موقعیت و قدرت هستن! مگه شما ملای
سنی، ابن حجر عسقلانی که رجالی قدری هستی، در الصواعق
المحرقة نگفتی عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ؟!
قرآن با علی هست! قرآن ناطق هست! میان چه کار می کنن؟
میان در خانه ی دختر پیامبر، دختری که خود پیامبر رو
منبر گفته که فاطمه ی من باردار هست!
هیچ مرد غیوری نمیاد این حرف رو بزنه، مردهایی که
متدین بودن تا بچه به دنیا نمی اومد چیزی نمی گفتن! خب
چه معنی داره شما بیای رو منبر بگی دختر من بارداره؟
می خواد بیاد اتمام حجت بکنه! اگه این جنایت کرد فردا
نگید که نمی دونستید! بعد آیا این جا ایراد از خدا هست؟!
کی بهتر از علی برای هدایت؟! آیا امیرالمؤمنین قبول
نکرد؟

امیرالمؤمنین قبول می کرد! فاطمه اش رو برمی داشت بعد از
فوت پیامبر، می اومد در خانه صحابه رو می زد: آیا وعده
ندادید؟ حمایت نمی کنید؟

می گفتن باشه علی میایم! نمی اومدن! سه نفر چهار نفر
دور آقا امیرالمؤمنین! حضرت گفتن من چهل نفر داشتم
می گرفتم، شماها نمی خواید، هیچ کدوم تون نمی خواید! من
علی رو نمی خواید!

من علی رو نمی خوان بحث اینه که لطف تحقق پیدا کرده
خدا فرستاده، علی هم پذیرفته، شما نمی خواهید قبول
بکنید! در مورد امام زمان علیه السلام هم چنین هست!
یعنی اگر چنانچه وجود خاتم الوصیین، حضرت صاحب
الزمان علیه السلام بود، دقیقاً همون بلاهایی که سر اجداد
بزرگوارشون در می آوردن، سر آقا در می آوردن! مگه در
نیارودن؟ امام جواد الائمه علیه السلام رو در ۲۳ سالگی به
شهادت رسانیدن! حضرت عسکری علیه السلام رو در ۲۸
سالگی به شهادت رسانیدن! چقدر تونستن اینها امامت
بکنن؟ تازه تمام مدت ها یا در زندان! در خفقان! در
بایکوت! در محاصره! نمی داشتن کار بکنن! اما تمام تلاش
و کوشش خودشون رو کردن. اگر مردم همون مقداری که
پشت ابوبکر بودید، پشت عمر بودید، پشت عثمان بودید،
پشت معاویه بودید، پشت آقا امیرالمؤمنین بودید! آقا
رو در مدت کوتاه خلافتشون تحمل نکردن سه تا جنگ
تحمیل شد بر امیرالمؤمنین! مردم به این فرهنگ نرسیدن،
الان هم باشد در شرایطی می کشن آقا رو! می کشن! تحمل
ندارن، نمی تونن قبول بکنن!

حالا اگر امام تشریف بیارن به اون یداللهی، به اون بحث
اعجاز، به اون قدرت ها، فرمودند معجزات تمام انبیاء دست
مهدی ماست. ولی باید مردم، جمعی تشنه ی آقا بشن! به
اون فرهنگ برسن که هر کسی بیاد وضعیت همینه! وضعیت
دنیا همینه!

بویی از عدالت که نمی‌چشید روز به روز عدالت که هیچ، به سمت ظلم و جنایت، عالم داره بیشتر پیش می‌ره! دنیا داره بیشتر پیش می‌ره!

شیخ صدوق در کمال‌الدین و تمام‌النعمة صفحه‌ی ۳۵۴ نقل کرده، شیخ طوسی هم در کتاب الغیبة صفحه‌ی ۱۶۹ و ۱۷۰؛ روایت اینه که:

«هنگامی که فرعون آگاه شد سلطنت و حکومتش به دست او (حضرت موسی) از بین می‌رود، دستور داد کاهنان را به نزدش آورند، آنان نیز وی را از نسب موسی و اینکه از بنی اسرائیل است آگاه کردند. فرعون به گماشتگان خود دستور داد شکم زنان باردار بنی اسرائیل را پاره کنند و بیش از ۲۰ هزار نوزاد را برای یافتن موسی کشت، ولی نتوانست به کشتن وی دست یابد، زیرا او در حفظ و حمایت خداوند تبارک و تعالی است. بنی‌امیه و بنی‌عباس نیز چنین اند. هنگامی که آگاه شدند نابودی پادشاهی آنها و پادشاهی امیران و ستمگران‌شان به دست قائم ماست، با ما به دشمنی برخاستند و در قتل آل رسول علیهم‌السلام و از بین بردن تبار او به طمع آنکه بر کشتن قائم دست یابند، شمشیر کشیدند. ولی خدای عزوجل، امر خود را برای هیچ یک از ستمگران فاش نمی‌سازد تا اینکه نور خود را کامل کند، هرچند مشرکین را خوش نیاید.»

پس چرا امام غائب بود؟ مشکل مردم بودن! نکته‌ی دیگه؛ در ادامه من گفتم (کتاب ستارگان هدایت): «درباره‌ی حضرت ولی عصر علیه السلام نیز مانند حجت‌های الهی پیشین این سنت الهی جاری بوده است». افراد دیگه هم بوده به خاطر سوء رفتار مردم، انبیاء غائب بودن؛ هست در تاریخ.

البته غیبت به این طولانی نداشتن، ولی سبب غیبت‌شون عملکرد نادرست مردم بوده. «این امر برای حفظ جان و شرایط و مصالح متعدد دیگری است، اما مهم‌ترین عوامل آن‌ها خود مردمند». یک روایت دیگه هم بخونم؛ در کتاب کمال‌الدین و تمام‌النعمه صفحه‌ی ۴۸۱ در دلائل‌الامامه صفحه‌ی ۵۳۵، جناب محمدبن جریر طبری هم این روایت رو آورده:

«عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لِلْقَائِمِ غَيْبَةٌ قَبْلَ قِيَامِهِ قُلْتُ وَ لِمَ قَالَ يَخَافُ عَلَى نَفْسِهِ الدَّبْحَ»

برای قائم پیش از قیامش غیبتی است. چنانچه زراره گوید

پرسیدم چرا؟

امام فرمود: بر جانش می‌ترسد.

یعنی اگر غائب نگردد مانند پدران طاهرینش به شهادت خواهد رسید، و وعده‌ی خدا به پیروزی و غلبه‌ی این دین بر سایر ادیان تحقق نخواهد یافت».

می ترسه نه اینکه چیز شخصی باشه!

جونش رو می خواد برای مردم! مثل اجداد بزرگوارشون و جود نازنین سیدالشهدا علیه السلام.

در بحار جلد ۵۱ صفحه‌ی ۱۱۲، در کتاب الغیبه نعمانی هم صفحه‌ی ۱۴۳ و ۱۴۴ نقل شده، ترجمه‌ی عبارت رو

می خونم:

«امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مسجد کوفه بالای منبر فرمودند:

بدانید که زمین هرگز از حجت خداوند عزوجل خالی نماند و اگر ساعتی از حجت خدا خالی باشد، اهلش را فرو برد، اما در آینده خداوند خلقتش را به دلیل ستم و بیدادگری و زیاده‌روی در گناه و نادانی و ستم بر خودشان از دیدن حجتش باز دارد (این پیشگویی هست که امیرالمؤمنین کرده) و محروم سازد، او حجت الهی در میان مردم است مردم او را نمی شناسند».